

دوفصلنامه عقل و دین، مؤسسه دین پژوهی علوی،
سال شانزدهم، شماره سی‌ام (بهار و تابستان ۱۴۰۳)

Analysis of the Scientific Miracle of the Qur'an in Light of the Criteria of Miracles

Mohammadreza Ezzati Fordoei¹

Abstract

The scientific miracle of the Qur'an is among the most debated topics in Qur'anic and theological studies. With the expansion of human sciences, it has gained a distinctive position in contemporary research. On the one hand, scientific interpretations have provided a basis for reexamining the miraculous nature of the Qur'an; on the other hand, they involve the risk of imposing variable empirical concepts upon the Divine text. In this context, three major approaches have emerged: the **excessive approach**, which regards every scientific interpretation of the Qur'an as miraculous; the **moderate approach**, which -by taking into account the conditions of miracle- considers certain scientific indications in the Qur'an to be beyond the scope of human knowledge; and the **minimalist approach**, which limits the notion of scientific miracle to the Qur'an's consistency and harmony with scientific discoveries over time, as well as its adaptability of expression to the understanding of different generations. Using an analytical-critical method and drawing upon the fundamental criteria of miracle -such as the disruption of the ordinary course of nature without violating the principle of causality, the Divine invitation to challenge and competition, and the Qur'an's invincibility in response to such challenges—this article evaluates these perspectives and concludes that only the moderate approach corresponds to the authentic standards of miracle and offers a realistic understanding of the Qur'an's scientific miracle.

Keywords: Sciece, miracle, Qur'an, consistency, scientific interpretation, Qur'anic challenge, extraordinary nature.

¹ - Assistant professor, Department of Quran and hadith, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Qom, Iran, (Corresponding author), mr.ezzati@qom.ac.ir

تحلیل اعجاز علمی قرآن در پرتو معیارهای اعجاز

محمدرضا عزتی فردوئی^۱

چکیده

اعجاز علمی قرآن از مباحث چالش برانگیز در حوزه مطالعات قرآنی و کلامی است که با گسترش علوم بشری، جایگاهی ویژه در پژوهش‌های معاصر یافته است. تفسیرهای علمی از سویی زمینه بازخوانی اعجاز قرآن را فراهم آورده‌اند و از دیگر سو، خطر تحمیل مفاهیم تجربی متغیر بر متن وحیانی را در پی داشته‌اند. در این میان، سه رویکرد اصلی پدید آمده است: رویکرد افراطی که هرگونه تفسیر علمی آیات قرآن کریم را معجزه می‌انگارد؛ رویکرد اعتدالی که با ملاحظه شرایط اعجاز، برخی اشارات علمی قرآن را فراتر از افق علمی بشر می‌داند و رویکرد تفریطی که اعجاز علمی را تنها در ثبات و جاودانگی بیانی قرآن خلاصه می‌کند. مقاله حاضر با روش تحلیلی-انتقادی و با تکیه بر معیارهای بنیادین اعجاز، همچون خرق عادت، تحدی و عدم معارضه، به ارزیابی این دیدگاه‌ها پرداخته و نشان می‌دهد که تنها رویکرد اعتدالی می‌تواند با شاخص‌های اعجاز هماهنگ بوده و تصویری واقع‌گرایانه از اعجاز علمی قرآن ارائه کند.

کلیدواژه‌گان: قرآن، علم، معجزه، ثبات، تفسیر علمی، تحدی قرآن، خارق العاده بودن.

اعجاز قرآن همواره در گستره تاریخ اندیشه اسلامی چنان چراغی فروزان بر فراز قله‌های معرفت بشری درخشیده است. هر نسلی، در پرتو ظرفیت‌های علمی و فکری خویش کوشیده است پرتویی از این نور جاودانه را دریابد و به زبان روزگار خود بازگو کند. اما یکی از مباحث پرچالش در این عرصه، مسئله «اعجاز علمی قرآن» است؛ پدیده‌ای که از دل مواجهه بشر با پیشرفت‌های علمی سربرآورده و در عین حال، پرسش‌های بنیادین بسیاری را پیش روی مفسران و محققان نهاده است. از دیرباز این پرسش مطرح بوده است که آیا اشارات علمی قرآن، فراتر از سطح دانش انسان در عصر نزول است و از همین رو نشانی بر وحیانی بودن آن به شمار می‌آید؟ آیا هرگونه انطباق آیات با کشفیات علمی، به مثابه اعجاز علمی تلقی می‌گردد؟ آیا اساساً باید اعجاز علمی را نه در پیشگامی علمی و نه در انطباق آیات آن با کشفیات علمی، بلکه در ثبات، هماهنگی و جاودانگی بیانی قرآن جست‌وجو کرد؟ این پرسش‌ها نه تنها مبنای گفت‌وگوهای دامنه‌دار میان اندیشمندان اسلامی شده، بلکه گاه به عرصه نزاع میان رویکرد افراطی و رویکرد تفریطی نیز کشیده شده است؛ جریانی که در یک سوی آن، همسان‌انگاری شتاب‌زده هر تفسیر علمی با اعجاز علمی قرار دارد و در سوی دیگر، فروکاستن اعجاز علمی به مرتبه‌ای از اعجاز بیانی. اهمیت این مسئله در آن است که اعجاز، نشانه رسالت و حجتی الهی برای همگان است. از این رو هر برداشت نادرست یا افراط‌آمیز، نه تنها فهم قرآن را دچار تحریف می‌سازد، بلکه چهره عقلانی و جاودانه وحی را نیز در معرض تزلزل قرار می‌دهد. قرآن کتاب هدایت است و اعجاز آن باید با معیارهایی چون تحدی، خارق‌العاده بودن، عدم مغلوبیت در معارضه و عدم قابلیت تعلیم و تعلم سنجیده شود. در پرتو این شاخص‌هاست که می‌توان مرز میان تفسیر علمی و اعجاز علمی را بازساخت و از لغزشگاه‌های تفسیر به رأی و تحمیل علوم تجربی متغیر و غیرقطعی بر متن وحیانی پرهیز کرد. از این منظر، بررسی و نقد دیدگاه‌های موجود درباره اعجاز علمی قرآن ضرورتی دوچندان می‌یابد؛ زیرا تنها از رهگذر نقد عالمانه است که می‌توان جایگاه واقعی این نوع اعجاز را در منظومه اعجاز قرآنی آشکار ساخت. پرسش محوری این پژوهش آن است که کدام یک از دیدگاه‌های سه‌گانه^۱ - همسان‌انگاری تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن (رویکرد افراطی)، پیشگامی علمی قرآن در عصر نزول (رویکرد اعتدالی)، یا ثبات و جاودانگی علمی قرآن در گذر

تاریخ (رویکرد تفریطی) - توانایی انطباق با شرایط بنیادین اعجاز را دارد و می‌تواند تصویری روشن و موجه از اعجاز علمی قرآن ارائه کند؟ در اینجا با رویکردی تحلیلی - انتقادی، نخست مبانی و معیارهای اعجاز قرآن را بازخوانی، سپس دیدگاه‌های مختلف در زمینه اعجاز علمی بر آن معیارها عرضه شده و در نهایت، تصویری متوازن و واقع‌گرایانه از حقیقت اعجاز علمی قرآن به دست رسیده است؛ تصویری که هم با شأن هدایتگری قرآن سازگار باشد و هم از افراط و تفریط در برداشت‌ها فاصله گیرد.

مفسران نخستین بیش‌تر بر جنبه‌های بیانی، بلاغی و تشریحی اعجاز تأکید داشتند؛ اما با گسترش علوم طبیعی و ریاضی در جهان اسلام، برخی از دانشمندان کوشیدند میان یافته‌های علمی و آیات قرآن پیوند برقرار کنند. این رویکرد در عصر ترجمه و آشنایی مسلمانان با علوم یونانی و سپس در دوران شکوفایی تمدن اسلامی زمینه‌ساز توجه به «اشارات علمی» قرآن شد. با این همه، اصطلاح «اعجاز علمی» به معنای دقیق امروزی آن، در قرون اخیر و به‌ویژه پس از مواجهه مسلمانان با تمدن مدرن غرب و دستاوردهای علوم تجربی مطرح شد. در چنین فضایی، مسلمانان برای دفاع از قرآن در برابر علوم نوظهور، به تفسیر آیات بر اساس نظریه‌های علمی پرداخته و بر مطابقت قرآن با علوم جدید تأکید کرده‌اند و آثار متعددی در این زمینه پدید آورده‌اند (رک: رضایی، ۱۳۸۹: ۲۲۰-۱۹۷). برخی از این تفاسیر در ادامه، ذیل دیدگاه‌های سه‌گانه در باره اعجاز علمی قرآن بررسی خواهند شد. در این بخش، تنها به ذکر برخی از آثار مرتبط با موضوع مقاله حاضر که با رویکرد تحلیلی و انتقادی نوشته شده‌اند، پرداخته می‌شود: ۱. کتاب پژوهشی در اعجاز علمی قرآن؛ دکتر محمدعلی رضایی اصفهانی؛ ۲. کتاب جریان‌شناسی تفسیر علمی قرآن؛ دکتر شادی نفیسی؛ ۳. رساله دکتری «بررسی و نقد دیدگاه‌های اعجاز علمی قرآن»؛ فاطمه قائدی وانانی؛ ۴. مقاله بررسی کتاب «الاعجاز العلمی فی القرآن» اثر لبیب بیضون توسط محمدحسن زمانی و محمد احسانی؛ ۵. مقاله بررسی و نقد توجیه علمی اعجاز قرآن از محمدحسین برومند؛ ۶. مقاله «تحلیل انتقادی دیدگاه طنطاوی در الجواهر با تأکید بر آیات علمی قرآن» از کیانوش نریمان و همکاران؛ ۷. مقاله «نگاهی نو به اعجاز علمی قرآن» از اعظم رحیمی؛ ۸. مقاله «تأملی در اعجاز علمی قرآن»؛ لاله اسلامی راد؛ ۹. مقاله «نقد مصادیق اعجاز علمی در آثار هارون یحیی»؛ سید مفید حسینی کوهساری و زهرا علیمرادی.

با وجود این پژوهش‌ها هنوز مطالعه‌ای منسجم که دیدگاه‌های موجود درباره اعجاز علمی قرآن را گردآوری کرده و آنها را با معیارها و شرایط پذیرفته‌شده اعجاز تطبیق دهد، انجام نشده است. این خلأ پژوهشی ضرورت انجام مطالعه‌ای تازه و بنیادین در این حوزه را دوچندان می‌کند.

۲- مفهوم اعجاز

اعجاز در لغت، از ریشه «عجز» به معنای ناتوانی و ضعف در برابر قدرت و توانایی سرچشمه می‌گیرد (ابن فارس، ۱۴۰۴: ج ۴، ۲۳۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۴۷)، اما در اصطلاح به هر امر خارق‌العاده‌ای که همراه با تحدی باشد و از معارضه سالم بماند، اطلاق می‌شود؛ امری که خداوند آن را به دست پیامبرانش ظاهر می‌سازد تا نشانه‌ای بر درستی رسالت آنان باشد (معرفت، بی‌تا: ج ۴، ۱۶). مطابق این تعریف، ماهیت اعجاز دارای سه محور اساسی است: نخست آنکه خارق‌عادت و فراتر از توان بشر است؛ به عبارت دیگر، با اسباب و علل عادی قابل توجیه نیست و پای اسباب عادی در تحقق دادن بدان لنگ و ناتوان است (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۱۶)؛ دوم آنکه همراه با تحدی و دعوت عمومی به همانندآوری است و سوم آنکه تلاش‌ها برای مقابله با آن به شکست می‌انجامد؛ بسیاری از اندیشمندان به این سه رکن در تعریف اعجاز اشاره نموده‌اند (نک: سیوطی، ۱۴۲۱: ج ۲، ۲۳۸؛ خوئی، بی‌تا: ۳۶؛ طباطبایی، همان؛ مصباح یزدی، ۱۳۷۷: ج ۱، ۲۶۳؛ معرفت، ۱۳۸۱: ج ۴، ۱۶).

از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام، معجزه «نشانه الهی» برای اثبات صدق مدعیان مقام الهی است. درحقیقت، معجزه دلیل و علامتی است که خداوند تنها در اختیار پیامبران، رسولان و حجت‌های خویش قرار می‌دهد تا حقانیت آنان برای مردم آشکار گردد. امام صادق (علیه السلام) در این باره می‌فرماید: «المعجزة علامة لله لا يعطيها الا انبياءه و رسله و حججه ليعرف به صدق الصادق من كذب الكاذب» (صدوق، ۱۳۸۵: ج ۱، ۱۲۲؛ مجلسی، ۱۳۸۵: ج ۱۱، ۷۱). براین اساس، معجزه در منطق اهل بیت (علیهم السلام) موهبتی الهی است که اکتسابی و قابل تعلیم و تعلم نیست و تنها به پیامبران الهی اعطا می‌شود. از آن رو که نشانه‌ای برای صدق مدعیان رسالت است، ویژگی‌هایی چون خرق عادت و عدم امکان معارضه در آن نهفته است.

۳- شرایط و ویژگی‌های اعجاز قرآن

برای درک بهتر اعجاز علمی قرآن نیاز به شناخت شرایط و ویژگی‌های آن است. این ویژگی‌ها طبق تعریف بالا به شرح زیر است:

۱. تناسب با آیات تحدی: وجه اعجاز قرآن باید با محتوای آیات تحدی هماهنگ باشد؛ این آیات به ترتیب نزول عبارت‌اند از:

۱. «قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ»^۲

۲. «قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ...»^۳

۳. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ...»^۴

۴. «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُورٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ...»^۵

۵. «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ»^۶

۶. «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ مِّثْلِهِ...»^۷

در ۵ مورد از آیات تحدی کلمه «مثل» تکرار شده است و شناسایی وجه اعجاز قرآن، در حقیقت تبیین دقیق این کلمه است تا مشخص شود که تحدی به مثل و همانندی قرآن از چه جهت است. ارائه وجهی نادرست برای اعجاز، به معنای تفسیر به رأی و تحریف معنای آیه خواهد بود. علامه طباطبایی نه تنها بر شمول آیات تحدی بر مخاطبان بلکه بر عمومیت این تحدی بر همه ویژگی‌های قرآن تأکید می‌کند (نک: طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۵۹). بنابراین وجه اعجاز قرآن باید برای همه مخاطبان، از زمان نزول تا امروز، قابل درک و شناخت باشد؛ زیرا تحدی به امر ناشناخته، با عقل سازگار نیست.

۲. خارق العاده بودن: چنانکه در تعریف معجزه گفته شد، آنچه به عنوان معجزه مطرح می‌شود باید فراتر از نظم طبیعی و قوانین عادی جهان باشد؛ به گونه‌ای که نوعی تصرف در طبیعت از جانب قدرتی ماورایی به شمار آید. البته خرق عادت به معنای نفی و نقض اصل علیت نیست، بلکه نشانگر آن است که علت‌ها فراتر از دایره عادت‌های محسوس ما گسترده شده‌اند. پس وقوع معجزه، نه بی‌علت است و نه خلاف عقل، بلکه ناشی از عللی برتر و ناشناخته است (رک: رضوانی، ۱۳۹۱: ۶۹-۳۵؛ ایزدپناه و آقایی، ۱۳۹۳: ۶۸-۶۶).

۳. عدم مغلوبیت در معارضه: معجزه باید در برابر تلاش دیگران برای همانندسازی، مقاوم بماند و مغلوب نشود (نک: طوسی، بی تا، ج ۴، ۵۱۹؛ خوئی، بی تا: ۳۵). قرآن کریم از آغاز تاکنون در این زمینه بی رقیب باقی مانده است.

۴. عدم قابلیت تعلیم و تعلم: وجه اعجاز قرآن نباید در چارچوب آموزش پذیری قرار گیرد؛ زیرا امور ماورایی - که پایه اصلی معجزه‌اند - از جنس دانش‌های قابل اکتساب بشری نیستند. حتی سحر و جادو نیز به تصریح قرآن قابل تعلیم و تعلم است: «يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ» (بقره/ ۱۰۲). آیت‌الله خوئی در این باره نوشته است: «معجزه در صورتی گواه بر صدق گفتار مدعی است که از قلمرو تعلیم و مسائل فکری و نظری بیرون باشد. بنابراین اعمال جادوگران و شعبده‌بازان و یا کسانی که بر اثر اطلاع از یک سلسله اسرار دقیق علمی، کارهای خارق‌العاده‌ای را انجام می‌دهند معجزه نیست (خوئی، ۱۳۸۵: ج ۱، ۲۹ و ۳۰). به بیان دیگر، سحر نوعی تصرف در حواس و ادراک ظاهری انسان است و واقعیت خارجی را دگرگون نمی‌سازد، بلکه نوعی فریب و تخییل است (رک: نجفی و همکاران، ۱۳۹۸: ۶۴ و ۶۵) چنان‌که قرآن کریم درباره کار ساحران در برابر حضرت موسی (علیه السلام) می‌فرماید: «...فَلَمَّا أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ...»^۸. علامه طباطبایی نیز با استناد به این آیه در تعریف سحر می‌نویسد: «سحر نوعی تصرف در حاسه انسان است به گونه‌ای که بیننده یا شنونده چیزهایی را درک کند که در واقع وجود خارجی ندارند» (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۸، ۲۱۵).

۵. امکان معارضه: مخاطب باید ابزارها و امکانات لازم برای ورود به میدان رقابت را در اختیار داشته باشد و از نظر عقلی، زبانی و ظرفیت انسانی توان ورود به چالش را داشته باشد. براین اساس، برخی پژوهشگران آیات تحدی را دلیل بر عرفی بودن زبان قرآن^۹ دانسته‌اند (دامن‌پاک، ۱۳۸۰: ۱۶۷). بنابراین در تحلیل و ارزیابی دیدگاه‌های گوناگون درباره اعجاز علمی قرآن، توجه به شرایط و ویژگی‌های بنیادینی که برای اعجاز قرآن برشمرده شد، امری اساسی و راه‌گشا خواهد بود؛ چرا که تنها در پرتو این شاخص‌ها می‌توان حدود درستی یا نادرستی این دیدگاه‌ها را سنجید و جایگاه واقعی اعجاز علمی را در منظومه اعجاز قرآنی بازشناخت. شایان ذکر است که پژوهشگران، شروط دیگری نیز برای معجزه برشمرده‌اند؛ از جمله آنکه معجزه محال عقلی و شرعی نباشد^{۱۰} مطابق با ادعا باشد، به دست مدعی نبوت تحقق یابد و مانند آن (نک:

ایجی، ۱۴۱۹: ج ۸، ۲۴۶: حلی، ۱۳۸۲: ۱۵۷؛ خوئی، بی تا: ۳۵)؛ با این همه، در ارزیابی اعجاز علمی قرآن، شرایط پیش گفته پیوند و کارآمدی بیشتری دارند.

۴- دیدگاه‌های مختلف دربارهٔ اعجاز علمی قرآن

اعجاز علمی قرآن یکی از مباحث پرچالش و مناقشه‌برانگیز در میان پژوهشگران قرآن و علوم اسلامی است. با پیشرفت علم و گسترش دستاوردهای بشری، مفسران و محققان تلاش کرده‌اند رابطه‌ای میان مفاهیم علمی نوین و آیات قرآن برقرار سازند. این تلاش‌ها ابتدا در قالب «تفسیر علمی» و بعدها به‌عنوان «نظریهٔ اعجاز علمی قرآن» مطرح شد. در عین حال، با توجه به تنوع رویکردها و تفاوت در مبانی علمی و دینی، سه دیدگاه اصلی در ارزیابی این نوع اعجاز به چشم می‌خورد: ۱. دیدگاه همسان‌انگاری تبیین علمی و اعجاز علمی (دیدگاه افراطی): در این رویکرد، هر تبیین علمی قرآن به‌طور مطلق معجزه علمی به‌شمار می‌رود. ۲. دیدگاه تبیین علمی فراتر از افق علمی بشر (دیدگاه اعتدالی): این دیدگاه از نظر تبیین اعجاز علمی با نگاهی معتدل، تبیین‌های علمی قرآن را از حیث روش و ابزار کشف، فراتر از دستاوردهای علمی بشری می‌داند. ۳. دیدگاه ثبات و جاودانگی در علم و بیان (دیدگاه تفریطی): در این رویکرد، اعجاز علمی قرآن در ثبات و جاودانگی مفاهیم علمی آن در طول زمان خلاصه می‌شود، اعجاز علمی در این دیدگاه نوعی اعجاز بیانی است. برای بررسی و نقد این دیدگاه‌ها، باید به معیارهای اعجاز قرآن و اصول علمی و دینی توجه کرد تا نتیجه‌گیری‌ها بر مبنای شواهد قرآنی و علمی مستحکم باشد.

۴-۱- همسان‌انگاری تبیین علمی و اعجاز علمی

دیدگاه اول در باب اعجاز علمی قرآن را می‌توان دیدگاه اثبات‌گرایانهٔ افراطی نامید؛ دیدگاهی که هرگونه تبیین علمی برای آیات قرآن را به‌منزله اعجاز علمی تلقی می‌کند. در این نگرش، صرف انطباق یک آیه با یافته‌ای علمی، آن آیه را معجزه تلقی می‌کند. این نگاه مرز میان تفسیر علمی و اعجاز علمی را از میان برمی‌دارد و آن دورا یکی می‌انگارد؛ بر همین مبنا، قضاوی به شماری از طرفداران تفسیر علمی اشاره می‌کند که در تمایز نهادن میان تفسیر علمی و اعجاز علمی دچار خطا شده‌اند و هر تفسیر علمی از آیات قرآن را به‌گونه‌ای شتاب‌زده، معجزه‌ای علمی تلقی کرده‌اند (قضاوی، ۱۴۲۱: ۳۹۶). بیشتر آثاری که با عنوان اعجاز علمی قرآن نگاه‌شده‌اند را

باید از نمونه‌های بارز این گرایش دانست؛ آثاری که بیش از آن که در پی کشف ابعاد ژرف اعجاز قرآن باشند، به انطباق آیات با یافته‌های علوم تجربی پرداخته‌اند. ظاهراً گاهی در نمونه‌های ادعایی اعجاز علمی قرآن، مدعیان بدون توجه به شرایط لازم برای اعجاز، صرفاً نقل یک مطلب علمی را به عنوان اعجاز مطرح کرده‌اند. در ادامه به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود.

۱. حرکت زمین: یکی از طرفداران این دیدگاه، محمد مختار عرفات است که تمامی آیات مربوط به موضوعات کیهانی، زیستی، تاریخی و... را به عنوان اعجاز علمی مطرح می‌کند؛ برای نمونه، آیه «وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ» را به حرکت زمین تفسیر می‌کند^{۱۱} موضوعی که توسط گالیله ایتالیایی و کپرنیک لهستانی در حدود قرن هفده میلادی کشف شد؛ در حالی که قرآن حدود هزار سال قبل از آن سخن گفته است (نک: عرفات، ۱۴۲۴: ۷۶).

۲. کروی بودن زمین: نمونه دیگر، آیاتی است که به «گرد بودن زمین» تفسیر شده‌اند؛ مانند آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ»^{۱۲} از دیدگاه برخی نویسندگان، لازمه کثرت و تعدد مشرق و مغرب، کروی بودن زمین است (نک: نجفی، ۱۳۷۷: ۳۰-۲۸؛ نیازمند شیرازی، ۱۳۳۵: ۱۸۹؛ امین، بی تا، ج ۷، ۱۴۵).

۳. تنگی نفس در ارتفاع: برخی از مفسران معاصر با تکیه بر یافته‌های علمی جدید، آیه «...وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ»^{۱۳} را از نشانه‌های اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند. به باور آنان، تشبیه «تنگی سینه در هنگام صعود به آسمان» اشاره‌ای دقیق به پدیده‌ای است که امروزه شناخته شده است؛ چنان که با افزایش ارتفاع از سطح زمین، فشار هوا و میزان اکسیژن کاهش می‌یابد و انسان دچار تنگی نفس می‌شود (نک: جمیلی، ۱۴۲۰: ۴۴؛ قنديل، بی تا: ۲۲).

۴. تماس آب‌های شور و شیرین: از دیگر آیاتی که در زمره موارد اعجاز علمی قرآن ذکر شده، آیات مربوط به تماس آب‌های شور و شیرین است؛ از جمله آیه «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا»^{۱۴} برخی مفسران و نویسندگان معاصر با استناد به این آیات، آن را نمونه‌ای از اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند و بر این باورند که اشاره به «برزخ» میان دو دریا، ناظر به وجود ناحیه‌ای مرزی در محل تلاقی آب‌های شور

و شیرین است که مانع از اختلاط کامل آن‌ها می‌شود؛ پدیده‌ای که علوم اقیانوس‌شناسی در قرون اخیر آن را با روش‌های تجربی کشف کرده‌اند (نک: شعبان، ۱۴۲۷: ۳۸۷-۳۸۰).

بررسی دیدگاه اول

برای سنجش درستی دیدگاه اعجاز علمی بر اساس تبیین‌های علمی، باید آن را در پرتو شرایطی بررسی کرد که پیش‌تر برای تحقق اعجاز بیان شد.

۱. ناسازگاری با شرط «خارق عادت بودن»: یکی از شرایط اصلی معجزه، خروج آن از نظام علل و معلولات عادی است؛ یعنی باید پدیده‌ای باشد که با قوانین شناخته‌شده طبیعت تبیین‌پذیر نباشد؛ درحالی‌که برخی تبیین‌های علمی قرآن در دل همین نظام شکل گرفته‌اند و با روش‌های تجربی قابل‌شناخت‌اند؛ پس اگر چه شگفت‌انگیز به نظر آیند، چون در محدوده دستاوردهای عقل و تجربه قرار دارند، از سنخ اعجاز به شمار نمی‌آیند. براین اساس، برخی از نمونه‌هایی که به‌عنوان اعجاز علمی قرآن مطرح شده‌اند - مانند اشاره به تنگی نفس در هنگام صعود به ارتفاع یا وجود مرز میان آب‌های شور و شیرین - از سنخ خرق عادت نیستند؛ زیرا این پدیده‌ها در هر دوره‌ای برای انسان‌ها، قابل‌مشاهده و درک‌اند؛ به‌ویژه آنکه قرآن این تمثیل‌ها را برای هدایت انسان آورده است و هدایت زمانی مؤثر است که مثال برای مخاطب آشنا و قابل‌درک باشد.

۲. مغایرت با شرط «عدم قابلیت تعلیم و تعلم»: معجزه باید حقیقتی باشد که نتوان آن را با آموزش و تمرین بازآفرید. حال آنکه علوم تجربی، آموزش‌پذیرترین شاخه‌های معرفتی بشرند؛ آنچه آموختنی و آزمودنی است، نمی‌تواند وجه اعجاز باشد. از این رو، اگر اعجاز قرآن را صرفاً بر پایه انطباق با علوم تجربی بدانیم، دچار کاستی می‌شویم؛ زیرا یافته‌های علمی نه تنها به تدریج آموخته و بازتولید می‌شوند، بلکه در معرض تغییر و ابطال نیز قرار دارند. بنابراین، بیان یک مطلب علمی تنها زمانی می‌تواند جنبه اعجاز داشته باشد که ثابت شود از راهی جز **تعلیم و تعلم بشری حاصل شده است**. درحالی‌که برخی از نمونه‌های مطرح شده به‌عنوان اعجاز علمی، از چنین ویژگی برخوردار نیستند؛ چنانکه برخی پژوهشگران درباره آیات مربوط به جنین‌شناسی تأکید کرده‌اند که اعجاز علمی در گرو خبر از غیب است؛ حال آنکه این موارد با مشاهده و کالبدشکافی نیز برای انسان قابل‌شناخت بوده و در نتیجه در زمره امور تعلیمی قرار می‌گیرند، نه اعجاز (نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۴۸۷).^{۱۵}

۳. **ناسازگاری با شرط «عدم معارضه»:** یکی از ویژگی‌های معجزه آن است که دیگران از آوردن همانند آن عاجز باشند؛ اما در این دیدگاه، کشف علمی نخست در حوزه علوم طبیعی صورت می‌گیرد، سپس بر آیه‌ای از قرآن منطبق می‌شود. یعنی بشر نه تنها عاجز نبوده، بلکه توانسته به حقیقتی علمی دست یابد و آن را بر قرآن تطبیق دهد؛ همچنین، برخی از نمونه‌های مطرح شده برای اعجاز علمی، پیش از قرآن نیز به‌عنوان یک نظریه، مورد توجه بوده‌اند، مانند **حرکت زمین و کروی بودن آن** (رک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۸۵ و ۱۹۱).

۴. **ناسازگاری با شرط «امکان معارضه»:** معجزه باید زمینه‌ای برای ایجاد معارضه باقی بگذارد، درحالی که طلب هموردی علمی در مصادیق، جایی برای معارضه باقی نمی‌گذارد. به عبارت دیگر، در هموردی علمی دو حالت ممکن است رخ دهد: **حالت اول:** زمانی که دعوت به هموردی برای حل مسئله‌ای باشد که قرآن پیش‌تر آن را حل کرده است. در این صورت اصل «امکان معارضه» از معنا تهی می‌شود، زیرا مسئله پیشاپیش حل شده و قابل مناقشه نیست، مانند معمایی که پاسخ آن معلوم و مجدداً قابل حل نیست. **حالت دوم:** زمانی که مدعی موفق به حل مسئله‌ای شده و از رقیب بخواهد او نیز مسئله‌ای دیگر را حل کند. در این حالت، امکان عاجز کردن مخاطب وجود ندارد، چراکه انسان از طریق تجربه، مسائل علمی بسیاری را حل کرده است و قابلیت رقابت محدود نیست.

بنابراین، امکان هموردی در مسائل علمی تنها زمانی وجود دارد که رقابت در «راه و روش کشف علمی» باشد. در اینجا است که ناتوانی دیگران آشکار می‌شود و حقیقت اعجاز در «عرصه روش»، نه در مصادیق، جلوه‌گر می‌گردد. بنابراین، مصادیق ذکر شده برای اعجاز علمی قرآن تنها زمانی معتبر هستند که اثبات شود آشکار نمودن آنها در زمان نزول قرآن از راه تجربه و تعلیم و تعلم بشری ممکن نبوده است.

۵. **عدم تناسب با آیات تحدی:** در مطالب پیشین روشن شد که آیات تحدی یکی از دلایل قابل فهم بودن قرآن به شمار می‌روند، زیرا در صورت نبود صراحت، تحدی بی‌معنا خواهد بود. از این رو، تحدی قرآن در موضوعات علمی تنها زمانی معتبر است که آیات برای مخاطب صریح و روشن باشند. بر همین اساس، برخی پژوهشگران اعجاز علمی در آیه «فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ إِنَّا لَقَادِرُونَ»^{۱۶} را نپذیرفتند، زیرا در این آیه تصریحی به کروی بودن زمین وجود ندارد و

کرویت تنها به عنوان نتیجه یا لازمه تعدد مشارق و مغارب برداشت شده است (نک: رضایی اصفهانی، همان، ۱۸۶).

۴-۲- تبیین علمی فراتر از افق علمی بشر

در دیدگاه دوم، اعجاز علمی قرآن نه در تطبیق صریح آیات با کشفیات علمی متأخر، بلکه در شیوه‌ای ظریف و آینده‌نگر نهفته است؛ یعنی قرآن در دوران نزول خود، به موضوعاتی اشاره کرده که فراتر از دانش و فهم رایج آن زمان بوده‌اند. در این نگاه، اعجاز علمی قرآن نه در انطباق مستقیم، بلکه در اشاراتی نهفته دیده می‌شود که با گذر زمان، مصادیق آن در علم جدید روشن شده‌اند. این دیدگاه در مقایسه با دیدگاه پیشین، رویکردی معتدل‌تر دارد و میان «تفسیر علمی» و «اعجاز علمی» تفکیک قائل می‌شود. به‌زعم قائلان این نظریه، بیان برخی واقعیات علمی در متنی که در محیطی خالی از چنین دانش‌هایی نازل شده، خود نشانه‌ای از فرابشری بودن قرآن است.

این دیدگاه، بر دو اصل مهم تکیه دارد:

۱. **پیشگامی علمی:** بر این اساس، قرآن مطلبی علمی را بیان می‌کند که در زمان نزول آیه، هیچ‌کس از آن آگاه نبوده است. این مطلب علمی به‌گونه‌ای است که با ابزارهای علمی و تجربی رایج در عصر نزول، امکان دستیابی به آن وجود نداشته است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۸۵؛ معرفت، ۱۳۸۱: ج ۶، ۳۰). بنابراین، رازگویی علمی در قرآن، نوعی پیشگامی در عرصه دانش است که خارج از توانایی‌های معمول بشری آن زمان بوده و می‌تواند نشانه‌ای از اعجاز باشد.

۲. **صراحت علمی آیه:** بر این اساس، آیه باید در بیان مطلب علمی صریح باشد و مخاطبان اولیه نیز آن حقیقت علمی را بفهمند، اگرچه اثبات یا کشف تجربی آن ممکن است سال‌ها پس از عصر نزول تحقق یابد. این صراحت، موجب رعایت شرط شمول مخاطب در تحدی قرآنی می‌شود؛ زیرا مخاطبان باید بتوانند مفهوم آیه را درک کنند، حتی اگر راه علمی اثبات آن در دسترسشان نباشد.

نمونه‌ها و مصادیق

برخی نویسندگان با در نظر گرفتن شرایط اعجاز، تنها شماری^{۱۷} از تبیین‌های علمی قرآن را در حد معجزه دانسته‌اند. در ادامه به چند نمونه از این موارد اشاره می‌شود:

عقل و دین، سال شانزدهم، شماره سی‌ام (بهار و تابستان ۱۴۰۳) ►

۱. **بارور سازی ابرها:** از دیدگاه برخی پژوهشگران اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها در آیه «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ الْبَاقِيَةَ...»^{۱۸} می‌تواند نوعی اعجاز علمی قرآن به شمار آید چراکه این مطلب تا سال‌های اخیر برای بشر روشن نشده بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۲، ۲۹۳). با توجه به حذف متعلق واژه «لواقح» در آیه شریفه و عمومیت آن، به نظر می‌رسد دلالت آیه شریفه بر بارور سازی ابرها در کنار بارور سازی گیاهان صحیح است. ۲. **قانون جاذبه:** برخی مفسران و نویسندگان آیه «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا...»^{۱۹} را ناظر به قانون جاذبه دانسته‌اند (نک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۲۹ و ج ۱۰، ۱۱۰ و ۱۱؛ معرفت، بی‌تا: ج ۶، ۱۲۲-۱۲۸؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۵۵). در تفسیر نمونه چنین آمده است: «مقید ساختن «عمد» به «ترونها»، دلیل بر این است که آسمان ستونهای مرئی ندارد، مفهوم این سخن آن است که ستون‌هایی دارد اما غیر قابل رؤیت نیست، این تعبیر اشاره لطیفی است به قانون جاذبه و دافعه که همچون ستونی بسیار نیرومند اما نامرئی کرات آسمانی را در جای خود نگه داشته» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۷، ۲۹). این مصداق نیز می‌تواند واجد شرایط اعجاز علمی باشد، زیرا قرآن با عبارت «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا» به نیروی نامرئی اشاره می‌کند و مردم عصر نزول نیز از آن آگاه شده‌اند (نک: طبری، ۱۴۲۲: ج ۱۸، ۵۴۲). اگرچه نام‌گذاری این نیرو به «جاذبه» در قرن هفدهم میلادی صورت گرفته است. ۳. **حرکت خورشید:** یکی دیگر از مصادیق اعجاز علمی قرآن، اشاره به حرکت خورشید در آیه «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا...»^{۲۰} است. آیت‌الله مکارم شیرازی در مورد این آیه می‌نویسد: «آخرین و جدیدترین تفسیر برای آیه فوق همان است که اخیراً دانشمندان کشف کرده‌اند و آن حرکت خورشید با مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به سوی یک سمت معین و ستاره دور دستی که آن را ستاره «وگا» نامیده‌اند، می‌باشد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۱۸، ۳۸۲). برخی از دیگر مفسران و نویسندگان معاصر نیز آیه یاد شده را به حرکت انتقالی خورشید تفسیر نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰: ج ۱۷، ۸۹؛ شهرستانی، ۱۳۸۷: ۲۶۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ج ۱، ۱۶۹). به نظر می‌رسد مردم عصر نزول نیز این مفهوم را از آیه درک کرده باشند، زیرا حرکت ظاهری خورشید با عبارت «لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» سازگار نیست و بر اساس اصول عقلایی محاوره، این مفهوم از ذهن ایشان دور نبوده است.

بررسی دیدگاه دوم

دیدگاه دوم که قرآن را دارای بیان علمی فراتر از افق علمی بشر می‌داند، در مقایسه با دیدگاه نخست، از اعتدال بیشتری برخوردار است و سازگاری بالاتری با ویژگی‌ها و شرایط اعجاز قرآنی دارد. در این نگاه، معجزه نه در محتوای علمی صرف، بلکه در روش کشف علمی نهفته است. به تعبیر دیگر، وجه اعجاز به نحوه کشف علمی در قرآن بازمی‌گردد، نه به مکشوف. مطابق این تحلیل، قرآن بدون بهره‌گیری از ابزارهای رایج علمی و بدون تکیه بر تجربه‌های پیشینی، حقایق علمی را مطرح کرده که فراتر از توان درک بشری در زمان نزول بوده‌اند. این نحوه تبیین از نگاه پیروان این نظریه، پدیده‌ای خارق عادت است. افزون بر این، چون این سبک کشف علمی، نه تجربی است و نه عقلی، جنبه‌ای فراتر از آموزش و یادگیری عادی دارد؛ از این رو شرط «عدم قابلیت تعلیم و تعلم» را نیز دربر می‌گیرد. همچنین، اصل «امکان معارضه» نیز در این دیدگاه محفوظ است؛ زیرا رقابت بر سر محتوای علمی نیست، بلکه بر سر توان ارائه همان نوع کشف در شرایط مشابه است؛ مانند آنکه کسی بدون ابزار، معمایی را حل کرده باشد و اکنون دیگری را نیز به چنین مواجهه‌ای فراخواند تا با همان روش به کشف علمی بپردازد. همچنین اصل صراحت علمی در این دیدگاه، هماهنگی کامل با نخستین شرط اعجاز قرآن، یعنی تناسب با آیات تحدی دارد. به بیان دیگر، همان‌گونه که مخاطبان نخستین تحدی جامعه عصر نزول بودند، درک اولیه از حقیقت علمی نیز باید در همان زمان برای آنان میسر باشد؛ هر چند کشف تجربی و اثبات علمی آن حقیقت، در آینده‌ای دور تحقق یابد. بنابراین، مصادیق یاد شده برای این دیدگاه حائز شرایط اعجاز هستند.

با این حال، در مورد اصل پیشگامی علمی این سؤال باقی است که آیا صرف پیشگامی و سرآمدی علمی، بدون آنکه امتناع عقلی یا ذاتی آن در زمان نزول اثبات شده باشد، برای تحقق خرق عادت کفایت می‌کند؟ چه بسا در طول تاریخ، اندیشمندانی پدید آمده‌اند که دانشی فراتر از افق زمانه‌شان بوده است. نمونه آن، فیلسوف یونانی «تالس» است که قرن‌ها پیش از اسلام، نظریه آفرینش موجودات از آب را مطرح کرده بود؛ موضوعی که در قرآن نیز آمده است (انبیاء/ ۳۰). بنابراین، پیشگامی علمی اگرچه به صورت مصداقی ثابت می‌کند که قرآن در کشف یک مسئله علمی پیشگام است، امتناع ذاتی معارضه را ثابت نمی‌کند؛ به عبارت دیگر پیشگامی در عرصه علم، هر چند جلوه‌ای از برتری در کشف و فهم حقایق باشد، به تنهایی راه را بر امکان

پیشگامی دیگران در میدان‌های دیگر علم نمی‌بندد. چه بسیار کسانی که در گوشه‌ای از معرفت، پیش افتادند، بی آنکه آفاق دیگر دانش را درنور دیده باشند. تنها زمانی می‌توان این پیشتازی را نشان از سرچشمه‌ای فرازمینی دانست که روشن گردد این برتری نه زائیده تجربه است و نه برخاسته از تیزی عقل، بلکه پرتویی از منبعی فراتر یعنی وحی الهی است. از این رو، برای اثبات آنکه این پیشگامی علمی از سنخ الهی و نه بشری است، باید به امی بودن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) استناد کرد؛ پیامبری که نه مدرسه‌ای دیده، نه در مکتب آموزگاری نشسته و نه دستی به قلم برده بود. چنین فرد امی، آنگاه که سخن از ژرفای هستی می‌گوید و پیش از همگان از رازهای علم پرده برمی‌دارد، نشان می‌دهد که آنچه می‌گوید، از کوی دانش‌های بشری نگذشته، بلکه بر بال‌های وحی به گوش جان او رسیده است.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان با استناد به آیه «قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ»^{۲۱} تأکید می‌کند که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) پیش از بعثت، چهل سال در میان مردم زیست بی آنکه سخنی از علم یا شعری از او شنیده شود یا نشانی از قدرت نگارش داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۷۰). بی تردید این نکته مؤیدی بر دیدگاه یادشده است و می‌تواند به‌عنوان قرینه‌ای بر اعجاز علمی قرآن دانسته شود.

البته برخی مفسران بر این باورند که استناد به امی بودن پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) نمی‌تواند به‌تنهایی معیار تعیین وجه اعجاز قرآن باشد؛ زیرا ضمیر متصل به کلمه «مِثْل» در آیات تحدی، به خود قرآن بازمی‌گردد و نه به شرایط گوینده آن (رک: فخررازی، ۱۴۲۰: ج ۲، ۳۵۰-۳۴۹؛ رشید رضا، ۱۴۱۴: ج ۱، ۱۹۳-۱۹۲). با این حال، در این دیدگاه، استناد به امی بودن پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) به معنای تغییر مرجع ضمیر نیست، بلکه به‌منزله قرینه‌ای در فهم درست آیه و شناخت وجه اعجاز قرآن قلمداد می‌شود. چه آنکه بر پایه سیره عقلا، فهم سخن تنها در گرو الفاظ نیست، بلکه قرائن خارجی و تاریخی نیز در تبیین معنا دخیل‌اند. از همین رو، تفسیر واژه «مِثْل» در آیه شریفه را باید در پرتو شواهد تاریخی و فضای نزول کاوید. بدین‌سان، یکی از مصادیق روشن این تعبیر، همانندی در «روش کشف» است؛ یعنی قرآن در عرصه هم‌وردی، نه تکرار داده‌های علمی و تجربی، بلکه آفرینش بی‌واسطه حقیقت علمی را به چالش می‌کشد. دعوت قرآن آن است که بدون ابزارهای آزمون و تجربه، حقیقتی همچون آنچه در آیات آمده، آشکار

سازید. اینجاست که اعجاز رخ می‌نماید، زیرا دانشی که بدون بهره‌گیری از ابزارهای بشری به منصفه ظهور رسیده، نشانه‌ای از علم الهی است، نه بشری.

۴-۳- ثبات و جاودانگی در علم و بیان

یکی از جلوه‌های شگرف اعجاز قرآن، ثبات و جاودانگی آن در عرصه علم و بیان است. قرآن کریم با بیانی معجزه آسا، مطالبی را مطرح کرده که در طول قرون، نه تنها رنگ کهنگی به خود نگرفته، بلکه در هر عصر در پرتوی پیشرفت‌های علمی، ابعاد تازه‌ای از حقیقت آن آشکار شده است. در این دیدگاه، اعجاز علمی قرآن در آن نیست که همواره مطالب علمی نوین ارائه کند، بلکه در آن است که در سراسر تاریخ معرفت بشری، هرگز سخنی برخلاف حقیقت علمی قطعی در آن یافت نشده است. از این منظر، قرآن به نحوی سخن گفته که انسان عصر نزول، مطابق افق فهم خود از آن بهره برده و انسان امروز نیز در پرتو دانش پیشرفته، عمقی دیگر از آن را در می‌یابد؛ بی‌آنکه تناقضی میان این دو فهم رخ نماید. چنانکه خود قرآن فرموده است: «وَلَوْ كَانِ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا».^{۲۲}

نمونه‌ها و مصادیق

برخی اقوال و نمونه‌های مربوط به این دیدگاه به شرح زیر است:

۱. **اعجاز در سبک بیان مطالب علمی:** قرضاوی در کتاب «کیف نتعامل مع القرآن» چنین می‌نویسد: «آنچه اکنون به عنوان اعجاز علمی شناخته می‌شود، در حقیقت نوعی اعجاز بیانی است... خداوند در عبارات قرآن چنان انعطاف و گستردگی قرار داده است که عقل عربی ساده عصر نزول، به آسانی آن را درمی‌یافت؛ در حالی که همین الفاظ در ژرفای خود، حقایقی را نهفته دارند که با گذر زمان و پیشرفت علم، آشکار می‌شوند (قرضاوی، ۱۴۲۱: ۳۹۷). برای نمونه، از دیدگاه او اعجاز قرآن در عبارت «بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا» (لقمان / ۱۰؛ رعد / ۲) نه در پیشگامی قرآن در بیان قانون جاذبه، بلکه در این است که آیه به گونه‌ای نازل شده که در هر عصر با یافته‌های علمی روز سازگار است (نک: همان، ۳۹۸). ۲. **اعجاز در اختلاف‌ناپذیری مطالب علمی:** فهد رومی در کتاب *اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر می‌نویسد:* «قرآن کریم چهارده قرن پیش نازل شده و به بسیاری از مظاهر هستی، همچون آفرینش آسمان‌ها و زمین، آفرینش انسان، حرکت و تراکم ابرها، نزول باران، جریان خورشید و ماه، سیر تکامل جنین و ... پرداخته است، در حالیکه

علم تاکنون هیچ‌یک از واژگان و جزئیات آن را باطل نساخته است و همین امر برای قرآن، اعجاز علمی به شمار می‌آید» (رومی، ۱۴۱۸: ج ۲، ۶۰۱-۶۰۰).

بررسی دیدگاه سوم

دیدگاه ثبات علمی و بیانی قرآن، جلوه‌ای از عظمت جاودانه کلام وحی را به تصویر می‌کشد و بر اختلاف ناپذیری قرآن گواهی می‌دهد. بی‌تردید، ثبات و پایداری متنی که یکی از مظاهر آن، ایستادگی در برابر تحولات علمی است و بر پایهٔ آیهٔ ۸۳ سوره نساء، امری خارق‌العاده و فراتر از توان بشری به شمار می‌آید. با این حال، این دیدگاه با یکی از شروط بنیادین اعجاز، یعنی تناسب با آیات تحدی، به‌طور کامل سازگار نیست؛ چه آنکه در آیات تحدی، عرب عصر نزول به‌عنوان نخستین مخاطب فراخوانده شده است و باید خود، وجه اعجاز را دریابد. حال آنکه درک اختلاف‌ناپذیری علمی قرآن -آن‌چنان که خرق عادت محسوب شود- نیازمند گذر زمان و انکشاف تدریجی علم است؛ امری که برای مخاطبان نخستین دست‌یافتنی نبوده است. بر این اساس، شرط شمول تحدی نسبت به آنان خدشه‌دار می‌شود و این دیدگاه با همه استحکام خود در تبیین مقام بلند قرآن از منظر تحدی، ناتمام می‌نماید.

همچنین، بر اساس این دیدگاه، اگرچه موضوع سخن در ظاهر، مسائل علمی است، اما حقیقت اعجاز در این تحلیل، دیگر در عرصه علم تحقق نمی‌یابد. زیرا ملاک اصلی اعجاز علمی، ارائه یا کشف گزاره‌های علمی فراتر از توان بشر است، حال آنکه در این رویکرد، معیار اعجاز «نوع بیان» و «عدم اختلاف» معرفی می‌شود. از این‌رو، نمی‌توان آن را به‌درستی اعجاز علمی نامید، بلکه باید آن را در زمرهٔ اعجاز بیانی یا اعجاز در اختلاف‌ناپذیری دانست؛ زیرا جنبه اصلی اعجاز، به زبان، ساختار بیانی و هماهنگی درونی متن بازمی‌گردد نه به کشف و یا روش کشف علمی.

۵- نتیجه‌گیری

- ۱- اعجاز علمی قرآن از پرجاذبه‌ترین مباحث در حوزهٔ مطالعات قرآنی است، اما همواره در معرض افراط و تفریط قرار داشته است.
- ۲- بررسی سه رویکرد اصلی نشان داد که همسان‌انگاری مطلق میان تفسیر علمی و اعجاز علمی، به دلیل بی‌توجهی به شرایط بنیادین اعجاز، بیشتر به تحمیل دستاوردهای علمی بر متن وحی می‌انجامد و نمی‌تواند معیار اعجاز بودن را برآورده سازد.

- ۳- در سوی دیگر، فروکاستن اعجاز علمی به ثبات و جاودانگی بیانی قرآن، گرچه بر عظمت بلاغت وحی گواهی می‌دهد، اما استقلال این نوع اعجاز را نادیده گرفته و با آیات تحدی نیز سازگاری کامل ندارد.
- ۴- در میان این دیدگاه‌ها، رویکرد اعتدالی که قرآن را دارای اشاراتی فراتر از افق علمی بشر می‌داند و بر لزوم صراحت آیات قرآن بر مطالب علمی تاکید دارد، بیشترین هماهنگی را با شاخص‌های اعجاز، همچون خرق عادت، تحدی، عدم مغلوبیت و عدم قابلیت تعلیم و تعلم، نشان می‌دهد. این فرارفتن از افق دانش بشر، نه از سنخ تجربه‌های حسی است و نه از زمره استدلال‌های عقلی؛ چرا که هر دو در قلمرو توان بشری قرار دارند. چنین مرتبه‌ای تنها در پرتو وحی حاصل می‌شود؛ وحیی که از منبع الهی سرزیر شده و در وجود پیامبر امی تجلی یافته است.
- ۵- بدین سان، دلیل روشن بر درستی دیدگاه اعتدالی آن است که پیامبری که نه به مکتب رفته و نه قلم به دست گرفته، حقایقی را بازگفته که سده‌ها پس از او در پرتو عقل و تجربه برای بشر مکشوف شده است.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- دیدگاه‌های سه‌گانه مطرح شده در این پژوهش، برگرفته از آراء متفکران معاصر درباره اعجاز علمی قرآن است. در ادامه به نقل نمونه‌ها و اقوال برای هر یک از این رویکردها پرداخته می‌شود.
- ۲- بگو: «اگر راست می‌گویید، کتابی هدایت بخش‌تر از این دو از نزد خدا بیاورید، تا از آن پیروی کنم!» (قصص / ۴۹).
- ۳- بگو: اگر انس و جن دست به دست هم دهند که همانند این قرآن را بیاورند، همانند آن را نخواهند آورد... (اسراء / ۸۸).
- ۴- آیا آنها می‌گویند: «او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است؟! بگو: «اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید» (یونس / ۳۸).
- ۵- آیا می‌گویند: «او به دروغ قرآن را به خدا نسبت داده و ساختگی است!» بگو: «اگر راست می‌گویید، شما هم ده سوره ساختگی همانند این قرآن بیاورید» (هود / ۱۳).
- ۶- اگر راست می‌گویند سخنی همانند آن بیاورند! (طور / ۳۴).

- ۷- و اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم تردید دارید، يك سوره همانند آن بیاورید (بقره / ۲۳).
- ۸- ... و هنگامی که وسایل سحر خود را افکندند، مردم را چشم‌بندی کردند... (اعراف / ۱۱۶).
- ۹- در مورد گستره عرفی بودن زبان قرآن اختلاف نظر وجود دارد، اما دیدگاه مشترک آن است که عقلا برای انتقال مفاهیم خود از مجموعه قوانین و ضوابط حاکم بر ساختار واژه‌ها، جمله‌ها، واج‌ها و آواها و معناها که از آن به دستور زبان تعبیر می‌شود، پیروی می‌کنند (نک: مؤدب، ۱۳۹۰: ۱۹۹ و ۲۰۰)؛ در برخی قرائت‌ها، مراد از «عرفی بودن زبان قرآن» آن است که قرآن را نه متنی فراتاریخی و قدسی، بلکه محصول شرایط تاریخی و فرهنگی عصر نزول بدانیم (رک: سعیدی روشن، ۱۳۸۹: ۳۱۶-۳۱۴).
- ۱۰- براین اساس، تحدی در اعجاز باید در محدوده امور ممکن باشد؛ زیرا تحدی به محال عقلی مانند ادعای الوهیت، یا محال شرعی مانند ادعای نبوت پس از پیامبر خاتم، نه معنادار است و نه قابل تحقق و از دایره اعجاز خارج می‌شود.
- ۱۱- کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و بی حرکت می‌پنداری، در حالیکه مانند ابرها در حرکتند (نمل / ۸۸).
- ۱۲- سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم (معارج / ۴۰).
- ۱۳- ... و آن کس را که به خاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را آن چنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود (انعام / ۱۲۵).
- ۱۴- او کسی است که دودریا را در کنار هم قرارداد؛ این گوارا و شیرین و آن شور و تلخ؛ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند گویی هر يك به دیگری می‌گوید: دور باش و نزدیک نیا! (فرقان / ۵۳).
- ۱۵- شایان ذکر است که اگر در این گونه آیات روشن شود علمی که به آن اشاره شده، نیازمند ابزار یا دستگاهی است که در زمان نزول قرآن وجود نداشته است، آنگاه می‌توان آن را در زمره اعجاز علمی به‌شمار آورد.
- ۱۶- سوگند به پروردگار مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم (معارج / ۴۰).
- ۱۷- براین اساس، برخی پژوهشگران بر اساس تعداد مصادیق این دیدگاه را «دیدگاه حدقلی» نامیده‌اند (نفیسی، ۱۳۹۷: ۲۳۹).
- ۱۸- ما بادها را برای بارور ساختن ابرها فرستادیم... (حجر / ۲۲).
- ۱۹- او آسمان‌ها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید... (لقمان / ۱۰).
- ۲۰- و خورشید نیز برای آنها آیتی است که پیوسته به‌سوی قرارگاهش در حرکت است... (یس / ۳۸).
- ۲۱- بگو: «اگر خدا می‌خواست، من این قرآن را بر شما نمی‌خواندم و خداوند از آن آگاهتان نمی‌کرد؛ چه اینکه مدت‌ها پیش از این، در میان شما زندگی نمودم و هرگز آیه‌ای نیاوردم؛ آیا نمی‌فهمید؟! (یونس / ۱۶).
- ۲۲- در حالیکه اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند (نساء / ۸۲).

منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۱. ابن فارس، احمد بن فارس، (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۲. اسلامی زاد، لاله، (۱۳۸۱ش)، "تأملی در اعجاز علمی قرآن"، *دوفصلنامه حدیث و اندیشه*، قم، سال دوم، شماره ۳.
 ۳. امین، احمد، (بی تا)، *راه تکامل*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
 ۴. ایچی، میر سید شریف، (۱۴۱۹ق)، *شرح المواقف*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
 ۵. ایزدپناه، عباس، آقای، اصغر، (۱۳۹۳ش)، "جایگاه اصل علیت در الهیات اسلامی «نگاهی به حیظه عمیق و گسترده اصل علیت»"، *دوفصلنامه عقل و دین*، قم، سال ششم، شماره ۱۱.
 ۶. برومند، محمد حسین، (۱۳۸۱ش)، "بررسی و نقد توجیه علمی اعجاز قرآن"، *فصلنامه مقالات و بررسی‌ها*، تهران، شماره ۷۱.
 ۷. جمیلی، سید، (۱۴۲۰)، *اعجاز علمی فی القرآن*، بیروت، دار و مکتبه الهلال.
 ۸. حلّی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۲ش)، *کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد*، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
 ۹. حسینی کوهساری، سید مفید، علیمرادی، زهرا، (۱۳۹۴ش)، "نقد مصادیق اعجاز علمی در آثار هارون یحیی"، *دوفصلنامه قرآن و علم*، قم، سال نهم، شماره ۱۷.
 ۱۰. خوئی، سید ابوالقاسم، (بی تا)، *البیان فی تفسیر القرآن*، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
 ۱۱. _____ (۱۳۸۵)، *مرزهای اعجاز*، ترجمه: جعفر سبحانی، قم، مؤسسه امام صادق (علیه السلام).
 ۱۲. دامن پاک، ناهید، (۱۳۸۰ش)، *بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن*، تهران، نشر تاریخ و فرهنگ.
 ۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
 ۱۴. رحیمی، اعظم، (۱۳۹۷ش)، "نگاهی نو به اعجاز علمی قرآن"، *دوفصلنامه آموزه‌های قرآن و عترت*، مشهد، سال اول، شماره ۱.
 ۱۵. رشید رضا، محمد و عبده، محمد، (۱۴۱۴ق)، *تفسیر المنار: التفسیر للقرآن الحکیم*، بیروت، دار المعرفة.
 ۱۶. رضایی، حسن رضا، (۱۳۸۹)، "منبع شناسی اعجاز علمی قرآن"، قم، *مجله قرآن و علم*، سال

- چهارم، شماره ۷.
۱۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۱ش)، *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن کریم*، رشت، کتاب مبین.
۱۸. رضوانی، روح‌الله، (۱۳۹۱)، *مبانی کلامی اعجاز قرآن*، قم، مرکز بین‌المللی نشر و ترجمه المصطفی.
۱۹. رومی، فهید بن عبدالرحمن، (۱۴۱۸ق)، *الإتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر*، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۲۰. زمانی، محمد حسن و احسانی، محمد، (۱۳۸۹ش)، *بررسی کتاب «الاعجاز العلمی فی القرآن» اثر لیبیب بیضون*، *دوفصلنامه قرآن و علم*، قم، سال چهارم، شماره ۷.
۲۱. سعیدی روشن، محمدباقر، (۱۳۸۹)، *زبان قرآن و مسائل آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۲. سیوطی، جلال‌الدین، (۱۴۲۱ق)، *الإیتقان فی علوم القرآن*، بیروت، دارالکتب العربی.
۲۳. شعبان، مروان وحید، (۱۴۲۷)، *الإعجاز القرآنی فی ضوء الإکتشاف العلمی الحدیث*، بیروت، دارالمعرفة.
۲۴. شهرستانی، سید هبة‌الدین، (۱۳۸۷ش)، *اسلام و هیئت*، ترجمه و توضیحات: سید هادی خسروشاهی، قم، مؤسسه بوستان کتاب.
۲۵. صدوق، محمدبن علی، (۱۳۸۵ش)، *علل الشرایع*، قم، کتابفروشی داورى.
۲۶. طباطبایی، سیدمحمدحسین، (۱۳۹۰ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، مؤسسة الأعلمی.
۲۷. _____، (۱۳۶۲ش)، *اعجاز قرآن*، تهران، نشر رجاء.
۲۸. طبری، محمدبن جریر، (۱۴۲۲)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، قاهره، دار الهجر.
۲۹. طوسی، محمدبن حسن، (بی‌تا)، *التبیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۰. عرفات، محمدمختار، (۱۴۲۴)، *اعجاز القرآن فی العلوم الجغرافية*، دمشق، دار اقرء.
۳۱. فخررازی، محمودبن عمر، (۱۴۲۰ق)، *مفاتیح الغیب*، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۳۲. قاندى وانانى، فاطمه، (۱۳۸۸ش)، *بررسی و نقد دیدگاه‌های اعجاز علمی قرآن* (رساله دکتری)، قم، دانشگاه قم.
۳۳. قرضاوی، یوسف، (۱۴۲۱ق)، *کیف تتعامل مع القرآن العظیم*، قاهره، دار الشروق.
۳۴. قنديل، محمدحسن، (بی‌تا)، *اعجاز القرآن العلمی و البلاغی و الحسابی*، اسکندریه، دار ابن‌خلدون.
۳۵. مؤدب، سید رضا، (۱۳۹۰)، *مبانی تفسیر قرآن*، قم، دانشگاه قم.

۳۶. مجلسی، محمد باقر، (۱۳۸۵ش)، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، المكتبة الإسلامية.
۳۷. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۷۷ش)، *آموزش عقاید*، تهران، نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۳۸. معرفت، محمد هادی، (۱۳۸۱ش)، *علوم قرآنی*، قم، مؤسسه التمهید.
۳۹. _____ (بی تا)، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ش)، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الإسلامية.
۴۱. نریمان، کیانوش و همکاران، (۱۴۰۰ش)، "تحلیل انتقادی دیدگاه طنطاوی در الجواهر با تأکید بر آیات علمی قرآن"، *دوفصلنامه پژوهش دینی*، تهران، شماره ۴۳.
۴۲. نجفی، رضا و همکاران، (۱۳۹۸ش)، "رهیافت کلامی معجزه در مجمع البیان طبرسی"، قم، *دوفصلنامه عقل و دین*، سال یازدهم، شماره ۲۱.
۴۳. نجفی، گودرز، (۱۳۷۷)، *مطالب شگفت انگیز قرآن*، تهران، نشر سبحان.
۴۴. نفیسی، شادی، (۱۳۹۷ش)، *جریان شناسی تفسیر علمی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴۵. نیازمند شیرازی، یدالله، (۱۳۳۵)، *اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی*، تهران، چاپ میهن.